

خبرها

نامزدهای جایزه گلدن گلوب معرفی شدند

بخش فرهنگی – نامزدهای هفتادوششمین دوره جوایز سینمایی و تلویزیونی گلدن گلوب معرفی شدند. پنجشنبه پس از معرفی مجریان مراسم جوایز گلدن گلوب ۲۰۱۹، نامزدهای این جایزه معتبر سینمایی و تلویزیونی هم معرفی شدند. در فهرست نامزدهای این جایزه هنرمندان مشهوری از عالم سینما و تلویزیون به چشم می‌خورد.

«**معاون**» **قدرتمند پیشتاز شد**

فیلم «معاون» درباره زندگی دیک چنی معاون رییس‌جمهور مشهور ایالات متحده آمریکا با بازی درخشان کریستین بیل در ۶ بخش از جمله بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر مرد نامزد دریافت جایزه شد. کریستین بیل برای بازی در این فیلم مجبور شد چندین کیلو وزن اضافه کند و گرم متفاوتی داشته باشد. فیلم صعود سیاسی چنی را تا تبدیل شدن به قدرتمندترین معاون رئیس‌جمهور در تاریخ ایالات متحده آمریکا، به تصویر می‌کشد.

پس از «معاون» فیلم‌های «ستاره‌های متولد می‌شود» به کارگردانی بردلی کوپر، «سوگلی» به کارگردانی یورگوس لانتیموس و «کتاب سبز» به کارگردانی پیتر فارلی قرار دارند که هر کدام در ۵ مورد نامزد دریافت جایزه شده‌اند.

خیز مکزیک‌ی برنده اسکار برای گلدن گلوب

در حالی که رقابت در بخش کارگردانی میان آلفونسو کوارون کارگردان مکزیک‌ی برنده اسکار و بردلی کوپر چهره تازه‌کار دنیای کارگردانی با اسپایک لی، آدام مک‌کی و پیتر فارلی داغ است، بردلی کوپر در شاخه بهترین بازیگر مرد نیز شانس دریافت جایزه دارد.

یکی از نکات جالب توجه نامزدهای این دوره نامزدشدن فیلم جدید آلفونسو کوارون با نام «رما» برای جوایز بهترین فیلمنامه و بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان است. البته این فیلم که شیر طلایی جشنواره ونیز را از آن خود کرد جایی میان نامزدهای بهترین فیلم درام ندارد. گلدن گلوب بر خلاف اسکار به آثار تلویزیونی هم جایزه می‌دهد و در هر دو بخش میان درام و کمدی یا موزیکال تمایز قائل است و آن‌ها را جداگانه مورد قضاوت قرار می‌دهد. البته همین امر سبب می‌شود که گاهی شیظنت‌هایی هم صورت بگیرد و مثلا فیلمی جدی مثل «مریخی» ریدلی اسکات برای اینکه شانس جایزه گرفتن داشته باشد به در این شاخه به رقابت بپردازد.

رقابت مدعیان کن و ونیز برای جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان در بخش بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان نگاه جایزه گلدن گلوب بیش از همه به منتخبان جشنواره کن دوخته شده است. در میان نامزدهای این بخش به غیر از «رما» ساخته آلفونسو کوارون برنده شیرطلایی جشنواره ونیز و «هرگز روی برمگردان» ساخته فلوریان هنکل فون دونرسمارک باقی آثار در جشنواره کن به نمایش درآمدند.

«زدان فروشگاه» ساخته هیروکازو کوریندا برنده نخل طلایی جشنواره کن، «دختر» ساخته لوکاس دونت برنده دوربین طلایی جشنواره کن و «کفرناحوم» ساخته نادین لبکی برنده جایزه هیات داوران جشنواره فیلم کن دیگر نامزدهای جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان هستند. «رما» نماینده مکزیک، «هرگز روی برمگردان» نماینده آلمان، «دختر» نماینده بلژیک، «کفرناحوم» نماینده لبنان و «زدان فروشگاه» نماینده ژاپن در نودویکمین دوره اسکار هم هستند و تاوقت‌پیداست که کار «بدون تاریخ، بدون امضا» نماینده کشورمان در اسکار بسیار سخت خواهد بود.

نیکول کیدمن این بار با شمالیی متفاوت

نیکول کیدمن که پیش از این چندین بار برنده جایزه گلدن گلوب شده این بار با فیلمی متفاوت به این رقابت گام گذاشته است. او در فیلم اکشن و جاسوسی «ویرانگر» به کارگردانی کارین کوساما در نقش یک کارآگاه پلیس به نام ارین بل جلوی دوربین رفته است. ارین بل کارآگاه پلیسی است که در جوانی به عنوان مأمور مخفی به یک باند تبهکار نفوذ کرده اما با کارش نتایج ترازیکی بار آورده است. از رویداد سال‌ها گذشته اما با بازگشت رییس باند ارین باید با گذشته تابخ خود روبه‌رو شود. کیدمن در رقابت امسال برای گلدن گلوب رقبای سرسختی مثل ملیسا مک‌کارتی در فیلم «ممکن است مرا ببخشی؟» و لیدی گاگا در فیلم «ستاره‌ای متولد می‌شود» را پیش رو دارد.

ایمی آدامز، هم در سینما هم در تلویزیون

یکی از نکات جالب فهرست نامزدهای امسال حضور ایمی آدامز بازیگر سرشناس هالیوود در نامزدهای دو بخش سینمایی و تلویزیونی است. او که برای بازی درخشان در «معاون» نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل زن شد در بخش تلویزیون نیز برای بازی در سریال «چیزهای تیز» نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر زن در سریالی کوتاه یا فیلم تلویزیونی است.

این دوره از جوایز گلدن گلوب با اجرای آندی سمبرگ و ساندرا اوه شب ششم زائویه ۲۰۱۹ (صبح ۱۷ دی ماه به وقت ایران) در لس‌آنجلس برگزار خواهد شد.

نامزدهای گلدن گلوب بخش سینما

بهترین فیلم درام: «پلنگ سیاه»، «بلک‌کلزنمن»، «حماسه کولی»، «اگر خیابان بیل لب به سخن می‌گشود» و «ستاره‌ای متولد می‌شود». بهترین فیلم موزیکال یا کمدی: «آسیایی‌های خربول»، «سوگلی»، «کتاب سبز»، «بازگشت مری پاپینز» و «معاون»

بهترین بازیگر مرد فیلمی درام: بردلی کوپر در «ستاره‌ای متولد می‌شود»، ویلم دفو در «بر دروازه ابدیت»، لوکاس هدرجز در «پسر رگشت»، رامی ملک در «حماسه کولی» و جان دیوید واشنگتن در «بلک‌کلزنمن»

بهترین بازیگر زن فیلمی درام: گلن کلوز در «همسر»، لیدی گاگا در «ستاره‌ای متولد می‌شود»، نیکول کیدمن در «ویرانگر»، ملیسا مک‌کارتی در «ممکن است مرا ببخشی؟»، رزموند پایک در «جنگ محرمانه»

بهترین بازیگر مرد موزیکال یا کمدی: کریستن بیل در «معاون»، لین‌مانوئل میراندا در «بازگشت مری پاپینز»، ویگو مورتسنن در «کتاب سبز»، رابرت ردفورد در «پیرمرد و تفنگ»، جان سی‌رایلی در «لستن و اولی»

بهترین کارگردان: بردلی کوپر برای «ستاره‌ای متولد می‌شود»، آلفونسو کوارون برای «رما»، پیتر فارلی برای «کتاب سبز»، اسپایک برای «بلک‌کلزنمن» و آدام مک‌کی برای «معاون»

بهترین انیمیشن: «شگفت‌انگیزان ۲»، «جزیره سگ‌ها»، «میرایا»، «الف اینترنت را خراب می‌کند»، «اسپایدرمن»

بهترین فیلمنامه: آلفونسو کوارون برای «رما»، دبورا دیویس و تونی مکنامارا برای «سوگلی»، بری جنکینز بریا «اگر خیابان بیل لب به سخن می‌گشود»، آدام مک‌کی برای «معاون»، پیتر فارلی برای «کتاب سبز»

بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان: «کفرناحوم»، «دختر»، «هرگز روی

برمگردان»، «زدان فروشگاه» و «رما»

نامزدهای بخش تلویزیون

بهترین سریال درام: «امریکایی‌ها»، «بادیگارد»، «بازگشت به خانه»، «کشتن ایو» و «پوز»

بهترین سریال کمدی یا موزیکال: «بری»، «مکان خوب»، «شوخی»، «متد کامینسکی»، «خانم میزل شگفت‌انگیز»

بهترین سریال کوتاه یا فیلم تلویزیونی: «قتل حیاتی ورساچه»، «فرار از دانمورا»، «چیزهای تیز» و «یک رسوایی کاملا انگلیسی» و «زوان‌پزشک»

بهترین بازیگر زن سریال درام: الیزابت ماس در «سرگذشت ندیمه»، ساندرااوه در «کشتن ایو»، جولیا رابرتس در «بازگشت به خانه»، کری راسل در «امریکایی‌ها» و کاترینا بلف در «غریبه»

بهترین بازیگر مرد در سریال درام: جیسون بیتمن در «اوزارک»، استیون جیمز در «بازگشت به خانه»، لیدچارد میدن در «بادیگارد»، بیلی بووتر در «پوز»، متیو ریس در «امریکایی‌ها»

بهترین بازیگر زن در یک مینی سریال یا فیلم تلویزیونی: ایمی آدامز در «چیزهای تیز»، پاتریشیا آرکت در «فرار از دانمورا»، کنی بریتون در «جان کنفی»، لارا‌درن در «افسانه» و رچینا کینگ در «هفت تایی»

بهترین بازیگر مرد در مینی سریال یا فیلم تلویزیونی: آنتونیو باندراس، بهترین برول، دارن کریس، بندیکت کامبرج و هیو گرنت.

{ فرهنگ و هنر }

نگاهی به شش قسمت نخست سریال «ممنوعه»

کپی، غیر برابر با اصل!

محسن جعفری راد

هر فیلم و سریالی، اصول خودش را بنا می‌کند و سریال‌هایی مثل ممنوعه فارغ از حواشی به راه افتاده و وقفه طولانی در پخش و حمله رسانه‌های تندرو، از جمله سریال‌هایی است که نوشتن درباره اش، جهان آن را از یک سریال مستقل خارج می‌کند و آدرس مجموعه ای از سریال‌های ترکی که در چند سال اخیر رونق گرفته اند را می‌دهد.

سریال‌هایی که بازارشان در اغلب خانواده‌های ایرانی سکه شده و عوامل و سازندگان ممنوعه طبق همان نقشه راه می‌خواهند نظر مخاطب سریال‌های ترکی را جلب کنند- مجموعه‌هایی که با سریال‌حریم سلطان آغاز شد و این روزها به عروس استامبول رسیده است! – مایه‌های تکرار شونده در مضمون این سریال‌ها چهار حالت را در بر می‌گیرد؛ عشق، شک، انتقام و خیانت. مثلا خیانت ترانه (بهاره افشاری) و خسرو (هادی حجازی فر)، عشق سامی (میلاذ کی مرام) به برکه (الله حصارکی)، شک خیانت برکه به سامی، شک رها (لیلا زارع) به خسرو، خیانت خسرو به رها، انتقام گرفتن ترانه از سامی و پدرش و … جالب این‌که بر عکس سریال‌های ترکیه‌ای که این مضامین را سعی می‌کنند در سریال‌های چند ده قسمتی تزریق کنند و در واقع با رعایت اصول اولیه درام نویسی به طور قطره چکانی، اطلاع‌دهی کنند، در ممنوعه فقط در خیلی چند قسمت اول این مضامین چپانده شده است و مسیر روایت را قابل پیش‌بینی می‌کند.

نقطه اشتراک بعدی، انواع و اقسام تلخی‌ها و مشاجره لفظی و دعوای فیزیکی و جینگ کشی شخصیت هاست که در سریال‌های ترکی بارها و بارها شاهد بوده ایم. در کدام سریال ترکی با شادی و دورهمی و لحظات خوش یک موقعیت، به معنی دقیق کلمه رو به رو هستیم؟ و ممنوعه از همین الگو تبعیت می‌کند. شخصیت سامی هم خودش تلخ است و هم نگاه تلخ و خشنی به بیرون دارد، با دعوای فیزیکی سامی با چند جوان در خیابان و یا ضرب و شتم و توسط نوچه‌های پدرش و رفت و آمد چند باره گروه آنها به بیمارستان و مشاجره‌های لفظی میان اعضای گروه که نشان می‌دهد نویسنده و کارگردان کاملا از نمونه‌های ترکی نمونه برداری کرده‌اند.

اشکالی در این الگوبرداری نیست همان‌طور که برای تعریف یک داستان و ساخت یک سریال می‌توان از هر داستان و سریالی استفاده کرد اما مشکل اینجاست که همه چیز به مستقیم‌ترین شکل اتفاق می‌افتد. همه چیز در سطح ماجرا جریان دارد و در هیچ موقعیتی، به عرض و عمق داستان و زندگی شخصیت‌ها نمی‌رسیم. علاوه بر این منطق خیلی از علت و معلول‌ها مشخص نیست و در واقع انقدر سرهم بندی شده که مدام سوال می‌کنیم شخصیت پدر سامی با بازی امیر جعفری با آن همه پال و کوپال و دبدبه و کب کبه و خدم و حشم انقدر هوش و ذکاوت و مهارت ندارد که همه سرمایه اش را در یک پروژه خرج نکند؟! چرا؟ او یک پدرخوانده ایرانی ساخته شده که کاملا توی ذوق می‌زند؟! – برای نمایش درست یک پدرخوانده ایرانی حتی از نوع جعلی مقایسه کنید با کاراکتر شکور با بازی درخشان فرهاد اصلانی در فیلم موزه‌های کوچک زنگ زده- یا شخصی مثل سامی با یک اشاره کوچک درباره رابطه قبلی دوست دخترش چنان از کوره در می‌رود که شبیه فیلم فارسی‌ها انگار کل ایل و تبارش به یغما رفته اند! در حالیکه حتی در یک

درباره دو فیلم «جاده قدیم» و «عرق سرد»

دو نگاه به زن امروز

منیژه بهارلو

این روزها دو فیلم «جاده قدیم» و «عرق سرد» دربرابر دیدگان سینماورهای ایرانی قرار گرفته است؛ دو فیلمی که بر حسب اتفاق دو نگرش به نقش زن در اجتماع امروزی و برداشت زنان امروز از این نقش را نشان داده‌اند.

«جاده قدیم» به زنی در روایت توجه کرده که در کنار ایفای نقش مادری و همسری در خانواده، در اجتماع هم حضور دارد و کارمند بانک است. این زن، هر دو نقش خانوادگی و اجتماعی را به نمایش گذاشته و البته در هیچ کدام هم، نقصانی نشان نمی‌دهد؛ چون تا آخرین دقایق سال کهنه و برای پاسخگویی به نیاز بانکی مردم، بر سر اسارت و البته اقتدار و ابهت به موقع در کنار مهر و عطوفت را نیز نگذاشته و آنچنان آبروداری می‌کند که تا آخرین لحظه، به سختی به بیان بختی از رویدادی می‌پردازد که بر او در آن شب خاص گذشته است و این شرم و آبروداری راه، خانواده او نیز می‌فهمد و قطعا تماشاگر امروزی هم درک می‌کند که از چه مبنای فطری و ذاتی وجود انسان برآمده است. او در جمع است و اجتماعی بودن را در خانواده نیز مراقبت می‌کند و این ماهیت زن راه، مرد خانواده هم درک کرده و پا به پای او می‌آید.

اما «عرق سرد»، در نگاه به زن امروزی در اجتماع، او را در کشاکش ماندن در نقش سنتی یا تظاهر به نقشی جدید نشان داده است. زنی که ابتدا به ذات و ماهیت وجودی انسانی، ازدواج کرده و به جمع‌گرایش دارد اما به تدریج و در جستجوی نقشی اجتماعی به حوزه ورزش آمده و برخلاف ورزش فوتبالی که بازی می‌کند و کنش جمعی است، در شهرت رسانه‌ای گرفتار آمده و اقدامات انفرادی را در پیش گرفته است و بدین گونه، هم با جمع‌که نمادش همسر اوست در می‌افتد و هم در برخورد با قانون، از سویه ورزشی‌اش فاصله می‌گیرد. برای او، حضور در اجتماع، به دوری از ماهیت‌پدیداری وجود انسانی منجر شده و زندگی مشترک هم برایش در اندازه رفیع نیازهای غریزی معنا و مفهوم یافته و می‌اندیشد که ورزش هویتی و انگیزه‌ای به او داده که با آن می‌توان بر هر قاعده ماهوی خلقت انسان و هر قاعده قراردادی زندگی

جامعه سنتی، در حال حاضر هم دیگر کمتر به روابط قبل از ازدواج مراجعه می‌شود و از زمان ازدواج- یا در سریال ممنوعه پیوند دوستی!- همه چیز از نقطه صفر شروع می‌شود. شخصیت ترنس فیلم چرا انقدر کاریکاتور شده است.چهره پردازی خسرو (هادی حجازی فر) چرا انقدر نخ نما و در حد فیلم‌های آماتوری است. همین‌که چهره بازیگری را که مخاطب پیش فرض انبوهی از ریش و سبیل در فیلم‌های قبلی از او دارد – از جمله

ماجرای نیمروز و ایستاده در غبار- را شش تیغه کنیم و موهایش را بلند نشان دهیم،برای ساختن یک هنرمند کافیسیت؟برای خلق یک کاراکترتازه کفایت می‌کند؟! او چه پپانیستی است که اصلا یک نما ی ساده از نواختن پیانو دیده نمی‌شود؟ حتی اگر به طور تفننی بزند. واقعا خیلی سخت بود که انگشتان یک پپانیست حرفه‌ای را با قد و قامت و حالت نشستن خسرو انطباق دهند؟ کاری که مثلا در فیلم سنتوری (دارپوش مهرجویی) انجام شد و موفقیت آمیز بود.

اما نکته‌ای که باعث می‌شود چنین سریال‌هایی برای مخاطب ایرانی و به خصوص نوجوان‌ها و جوان‌ها مناسب نباشد به چگونگی روابط گروه ممنوعه در سریال مربوط می‌شود. یکی شرط می‌گذارد که پسری و دختری تا صبح در یک اتاق بمانند! آن یکی خیلی مستقیم درباره رابطه حرف می‌زند و علاوه بر اینها مصرف مواد به راحتی نشان داده می‌شود. دیگری خیلی راحت پیش پدر و مادرش از عشق و بوی فرند! BOY FRIEND حرف می‌زند؛ خب زندگی نسل دهه هفتاد جامعه این طوری است؟ اگر هست چرا در یک بازنمایی خلاقانه واقعیت یا تفسیر خلاقانه امر واقع، از فیلترن نویسنده نگذشته و وارد یک جهان بینی نشده است؟ اگر نیست چرا مدام ادعای زندگی رئالیستی و مشت نمونه خروار و قابل تعمیم به جامعه

ایرانی دارند؟! در واقع در سریال ممنوعه مثل یک سریال ترکیه‌ای یک مرد همزمان با یک دوست دختر و زنی است که قبلا از او طلاق گرفته،یکی از دوستان دوست دخترش به پسر مورد نظر دل بسته و ماجرای بالای شهر و پایین شهر مطرح می‌شود و تمام خطوط قرمزی اخلاقی حتی در یک خانواده اروپایی رد می‌شود. یکی از ویژگی‌های کاملا آشکار سریال ممنوعه هم تقلیدی است که از سریال عاشقانه (ساخته منوچهر هادی) به عنوان یک سریال موفق در شبکه نمایش خانگی کرده. به این شکل که طبقه متوسط و طبقه متوسط رو به پایین ،کنجکاو زندگی مرفه و «لاکچری» است و سریال عاشقانه با چیدمانی خوش رنگ و لعاب این امکان را به خاطر می‌داد و حالا در ممنوعه هم به کار گرفته شده است.

البته سریال، امتیازات مثبتی هم دارد. از جمله برخی ترکیب بندی‌ها که فرم بصری خلاقانه‌ای را ارائه می‌کند یا بازی‌های قوی مثل میلاذ کی مرام که یک تنه بار فیلم را به دوش می‌کشد و چند حالت مختلف را به طور توامان می‌تواند به درستی اجرا کند اما برای یک سریال حتی در حد و اندازه یک کار سرگرمی ساز، این‌ها کافی نیست. باید ببینیم در ادامه می‌توانند این حفره‌های عمیق را پر کنند یا نه، هرچند تجربه ثابت کرده، نقشه راه سازندگان یک سریال با همان چند قسمت نخست مشخص می‌شود و امیدی به رستگاری! یا معنی اثرگذاری سریال نیست. از جمله فصل دوم و سوم شهزاد که همه منتظر بودیم بهتر شود و هی بدتر شد!

شنبه ۱۷ آذر ۱۳۹۷

خبرها

فرج‌الله حیدری درگذشت



بخش فرهنگی – فرج‌الله حیدری از فیلمبرداران مطرح ایرانی، ۱۵ آذرماه در سن ۶۲ سالگی درگذشت.

فرز حیدری پسر فرج‌الله حیدری روز پنجشنبه ضمن تایید این خبر به ایسا گفت: پدرم حدود ۲ ساعت قبل بر اثر ایست قلبی در خانه خود فوت کرده است.

فرج‌الله حیدری در سال ۱۳۳۵ در تهران متولد شد. او دارای مدرک تحصیلی دیپلم ریاضی بود و فعالیت خود در سینما را با دستیاری فیلمبرداری فیلم «کوچه مردها» ساخته سعید مطلبی در سال ۱۳۴۹ آغاز کرد.

او تاکنون مدیر فیلمبرداری بیش از ۳۰ فیلم سینمایی و فیلمبردار نزدیک به ۲۰ اثر سینمایی بوده است.

مشارکت در فیلمبرداری «ناصرالدین شاه آکتور سینما» و «بایکوت» از ساخته‌های محسن مخملباف، فیلمبرداری سام و نرگس و می‌خواهم زنده بمانم به کارگردانی ایرج قادری و روز شیطان به کارگردانی بهروز افخمی از جمله کارهای مرحوم حیدری بوده است.

همکاری با فیلم‌های قاعده بازی احمدرضا معتمدی و پارکوی فریدون جیرانی در سال ۸۵ از آخرین کارهای این فیلمبردار است. فیلمبرداری فیلم کارناوال مرگ در سال ۸۷ آخرین کار وی در سینما محسوب می‌شود.

مراسم تشییع فرج‌الله حیدری

یک‌شنبه برگزار می‌شود

مراسم تشییع پیکر فرج‌الله حیدری، فیلمبردار پیشکسوت سینما یک‌شنبه (۱۸ آذرماه) از مقابل خانه سینما برگزار خواهد شد.

بهرام بدخشانی، از اعضای هیأت مدیره انجمن صنفی فیلمبرداران در گفت‌وگو با ایسنا درباره اعلام زمان تشییع پیکر فرج‌الله حیدری بیان کرد: مراسم تشییع این هنرمند، یک‌شنبه، ۱۸ آذرماه ساعت ۹ صبح از بهراهی خانه سینما شماره ۲ واقع در خیابان وصال برگزار خواهد شد.

تجلیل از نویسنده افغانستانی

در اختتامیه‌ی جایزه جلال



بخش فرهنگی – در اختتامیه جایزه ادبی جلال آل احمد از احمد مدقق، نویسنده «آوازهای روسی» تجلیل می‌شود.

به گزارش ایسنا بر اساس خبر رسیده، اعضای هیات داوران بخش رمان و داستان بلند یازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد در جریان بررسی آثار این بخش، کتاب «آوازهای روسی» نوشته احمد مدقق را شایستهٔ تحسین دانسته و پیشنهاد تجلیل از این نویسنده و اثر ادبی او را به دبیرخانه این جایزه ارائه دادند.

این گزارش می‌افزاید، دبیرخانه یازدهمین جایزه ادبی جلال آل احمد نیز با توجه به این پیشنهاد و در ادامه برنامه‌های خود مبنی بر توجه به ظرفیت‌های نویسندگان فارسی‌زبان غیرایرانی تجلیل از اثر احمد مدقق با عنوان «آوازهای روسی» را در برنامه‌های اختتامیه جایزه ادبی جلال آل احمد قرار داد.

مهدی قزلی، دبیر اجرایی این جایزه در این باره گفت: در ادامه مسیر توجه به زبان فارسی و تحکیم پیوندهای فرهنگی فارسی‌زبانان، در این دوره نیز از احمد مدقق نویسنده افغانستانی که کتابش توسط انتشارات شهرستان ادب منتشر شده است، تجلیل به عمل می‌آید.

وی افزود: سال گذشته نیز برنامه بخش ویژه یک دهه ادبیات داستانی تاجیکستان را داشتیم که در روزهای آخر به دلایل مخالفت دولت تاجیکستان برای حضور داستان‌نویسان این کشور در مراسم اختتامیه، پیگیری‌های ما برای میزبانی از نویسندگان این کشور به نتیجه نرسید.

یازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، شنبه ۱۷ آذرماه، ساعت ۱۸ در تالار قلم کتابخانه ملی ایران با معرفی برگزیدگان این دوره به کار خود پایان خواهد داد.